

آغاز فصل جدیدی در دیپلماسی انرژی

ایران مرکز تجارت گاز منطقه غرب و جنوب شرق آسیامی‌شود

حسین حیدریان، کارشناس حوزه انرژی در گفت‌وگو با «جوان» اهمیت تحقق مسیر تبدیل شدن به هاب گازی منطقه از مسیر اتصال مستقیم گازی بین ایران با کشورهای روسیه و هند را تشریح کرد

گاز روسیه، تعرفه‌های جدیدی علیه هند وضع کرده است ولی هند برای مزیت رقابتی خود در کل دنیا، توجه ویژه‌ای به نفت و گاز ارزان روسیه دارد و در این بین ایران با اتصال مستقیم گازی به هند و روسیه و همچنین فعال کردن بیشتر کربودر شمالی-جنوبی خود در راستای توسعه تجارت نفت و کالابین هند و روسیه می‌تواند این وضعیت را به ضرر غرب و به نفع شرق تقویت کند. امریکا تلاش کرده است از طریق تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دیپلماتیک، مانع از خرید نفت و گاز از روسیه توسط هند شود. با این حال، هند با تکیه بر نیاز روزافزون خود به منابع انرژی ارزان و مطمئن، مسیر خرید انرژی از روسیه را ادامه داده است. ایران می‌تواند با ارائه مسیر مطمئن و کوتاه‌تر انتقال انرژی، خود را به‌عنوان شریک قابل اعتماد در این منازعه معرفی کند و با ایفای نقش واسطه، عملدر تنش انرژی آسیا با غرب وارد شود. این نقش آفرینی، ضمن ضربه زدن به سیاست‌های تحریمی امریکا، قدرت ژئوپلیتیکی ایران را در منطقه تقویت خواهد کرد.»

حیدریان در ادامه افزود: «دولت چهاردهم در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های کلان در حوزه انرژی، مسیر آینده اقتصاد کشور را تعیین کند، در حالی که بسیاری از کشورهای جهان به دنبال گذار از انرژی‌های فسیلی به منابع تجدیدپذیر هستند، هنوز دهه‌هایی مانده تا تقاضای جهانی برای گاز طبیعی به اوج برسد، این فرصت بی‌بدیل برای ایران به شرط برنامه‌ریزی دقیق و توسعه دیپلماسی انرژی می‌تواند به نقطه عطفی در تاریخ اقتصاد کشور تبدیل شود. تبدیل ایران به هاب گازی منطقه تنها به صادرات یا ترانزیت محدود نمی‌شود. واردات گاز از تر کمئنستان یا روسیه می‌تواند برای تأمین نیاز گاز مناطق شمالی کشور به کار گرفته شود و از فشار بر شبکه گازرسانی داخلی بکاهد. همچنین گاز مازاد وارداتی می‌تواند در واحدهای نیروگاهی به برق تبدیل و صادر شود یا در صنایع پتروشیمی و زنجیره پایین‌سری به محصولات با ارزش افزوده بال‌ا بدل گردد. این زنجیره ارزش به‌طور مستقیم در اشتغال، درآمد ارزی و رشد صنعتی کشور تأثیر گذار خواهد بود.»

وی در پایان گفت: «ایران در شرایطی قرار دارد که با وجود تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی می‌تواند از طریق بازتعریف نقش خود در بازار انرژی به یکسای قدرت‌های اقتصادی نوظهور در منطقه بدل شود. قرارگیری در کربودهای انتقال انرژی، نه یک امتیاز، بلکه یک الزام راهبردی برای ایران است. این الزام در حوزه گاز با اتصال به اقتصادهای بزرگ تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی به مثابه یک «جای پای مستحکم» در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی عمل می‌کند. دولت چهاردهم اگر بخواهد میراثی ماندگار بر جای بگذارد، باید با تمام توان در تحقق این هدف گام بردارد.»



زیرساختی که قابلیت تغییر توازن انرژی منطقه را دارد، احداث خط لوله مستقیم انتقال گاز از روسیه به هند از طریق خاک ایران یا مسیر دریایی (از طریق دریای عمان و اقیانوس هند) است. چنین پروژه‌ای نه تنها باعث تسهیل صادرات گاز روسیه به یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان می‌شود، بلکه ایران را به حلقه واسط اصلی این تجارت تبدیل می‌کند. با ایجاد این خط لوله، ایران نه تنها از حق ترانزیت و تأمین گاز برای بازار داخلی و صادرات مجدد بهره‌مند می‌شود، بلکه نوعی وابستگی متقابل با دو قدرت بزرگ اوراسیا یعنی روسیه و هند شکل می‌گیرد؛ وابستگی‌ای که به‌نوبه خود باعث افزایش امنیت ملی و کاهش تهدیدهای خارجی خواهد شد.»

وی در رابطه با امکان استفاده ایران از فرصت تعرفه‌های وضع شده امریکا علیه هند و تقویت مسیر تأمین انرژی ارزان گازی روسیه برای هند از مسیر ایران گفت: «امریکا به صرف قرارگیری هند در بریکس و همچنین خرید نفت و

می‌کند. این قابلیت ذاتی، اگر با توسعه زیرساخت‌ها، خطوط لوله و روابط منطقه‌ای همراه شود، می‌تواند ایران را به هاب واقعی تجارت گاز در منطقه بدل کند.»
وی در ادامه با اشاره به اهرم ژئوپلیتیک ایران در حوزه سوآپ گازی گفت: «یکی از ابزارهای کلیدی برای ایفای این نقش، مشارکت فعال ایران در سوآپ گاز است. ایران با امضای قراردادهای سه‌جانبه با کشورهای صادرکننده و واردکننده، می‌تواند به جای انتقال فیزیکی گاز در مسیرهای طولانی و پرهزینه، از مکانیسم سوآپ برای تسهیل تجارت گاز بهره‌برداری کند. تجربه موفق سوآپ گاز تر کمئنستان به جمهوری آذربایجان از مسیر ایران، گواهی بر امکانپذیری سودآوری این روش است. گسترش این مدل در تعامل با روسیه و هند می‌تواند در کوتاه‌مدت ظرفیت بهره‌برداری ایران را بدون نیاز به سرمایه‌گذاری هنگفت بر زیرساخت‌های جدید افزایش دهد.»

حیدریان در ادامه افزود: «یکی از مهم‌ترین پروژه‌های

ایران، مجاورت با بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز جهان نظیر روسیه و تر کمئنستان و همچنین نزدیکی به بر مصرف‌ترین اقتصادهای در حال رشد مانند هند، زمینه‌ای بی‌بدیل برای ایفای نقش کلیدی در تجارت گاز فراهم کرده است. تحقق این چشم‌انداز می‌تواند مسیر توسعه اقتصادی کشور را هموار کند، قدرت چانه‌زنی ایران در سطح بین‌المللی را افزایش دهد و در عین حال، بازدارندگی امنیتی در برابر تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد کند.

این کارشناس انرژی در رابطه با قرارگیری ایران در چهارراه انرژی آسیا خاطر نشان کرد: «جغرافیای ایران به گونه‌ای است که در چهارراه انتقال انرژی قرار گرفته است. در شمال با تر کمئنستان و روسیه به عنوان تولیدکنندگان عمده گاز و در جنوب و شرق با کشورهای نظیر پاکستان، هند و کشورهای حاشیه خلیج فارس که تقاضای فزاینده‌ای برای انرژی دارند، هم‌مرز است. این موقعیت جغرافیایی ایران را به نقطه اتصال طبیعی بین عرضه و تقاضای گاز در آسیا تبدیل

گاز روسیه به هند از مسیر ایران نه تنها موجب تبدیل شدن ایران به هاب گازی خواهد شد،بلکه توسعه روابط گازی ایران با کشورهای همسایه خود را نیز به همراه خواهد داشت. به این ترتیب ایران مرکز تجارت گاز منطقه غرب و جنوب شرق آسیا خواهد شد. تبدیل شدن ایران به هاب تجارت گاز منطقه‌ای با برقراری ارتباطات مستقیم گازی با روسیه و هند و توسعه سوآپ گازی با تر کمئنستان و روسیه، یک پروژه سرمایه‌گذاری هوشمندانه و همکاری مستمر با کشورهای همسایه و شرکای منطقه‌ای پیش رود. تحقق هدف تبدیل شدن ایران به هاب گازی منطقه از طریق اتصال مستقیم بلکه از نظر سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک می‌تواند به نقطه عطفی در تاریخ روابط منطقه‌ای ایران تبدیل و موجب تثبیت موقعیت ایران به عنوان بازیگر کلیدی و تأثیرگذار در بازار انرژی منطقه شود.

ایران در حوزه انتقال گاز از طریق خط لوله نیز از مزیت‌های بسیاری برخوردار است. در این مسیر، لازمه موفقیت توجه ویژه به توسعه زیرساخت‌های مرتبط، تضمین امنیت خطوط لوله و تسهیل فرایندهای تجاری و گمرکی است تا امکان تبادل بهینه انرژی فراهم شود و دولت می‌تواند در این زمینه نیز همکاری لازم را داشته باشد. با توجه به اهمیت روزافزون انرژی گاز در بازار جهانی و جایگاه استراتژیک ایران در این حوزه، این اقدام می‌تواند علاوه بر ارتقای توانمندی اقتصادی کشور، نقش مهمی در حفظ ثبات منطقه و ایجاد فضای همکاری و تعامل سازنده بین کشورها ایفا کند.

توجه به ظرفیت‌های داخلی و هم‌افزایی آنها با فرصت‌های منطقه‌ای، ایران را در مسیر تبدیل شدن به هاب مطلق تجارت گاز منطقه قرار می‌دهد؛ نقشی که نه تنها اقتصاد کشور را شکوفا خواهد ساخت، بلکه زمینه‌ساز امنیت، ثبات و پیشرفت دیپلماتیک در منطقه برتنش خاورمیانه نیز خواهد بود. این مسیر راهی است که با بهره‌گیری از منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و همکاری‌های استراتژیک می‌توان به آن دست یافت و ایران را به مرکز ثقل انرژی منطقه تبدیل کرد.

■ **نقطه عطف تجارت گازی کشور و تشدید تنش اقتصادی با غرب**
حسین حیدریان کارشناس حوزه انرژی در ابتدای گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به راهبرد ایران در زمینه قرارگیری در تجارت گازی منطقه گفت: «تبدیل شدن ایران به هاب تجارت گاز منطقه، نه تنها یک راهبرد اقتصادی بلکه ضروری امنیتی و دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی ایران است. در عصر رقابت شدید بر سر انرژی، جایگاه ژئواستراتژیک

ایران با برخورداری از دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی جهان و موقعیت ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد خود، همواره در معادلات انرژی منطقه‌ای و جهانی جایگاهی باقوه داشته است؛ جایگاهی که طی سال‌های اخیر به‌دلیل موانع سیاسی و زیرساختی نتوانسته است به‌طور کامل بالفعل شود. اما اکنون با طرح اتصال مستقیم خطوط انتقال گاز از طریق دریا به بازارهای هند و روسیه، در آستانه تحقق رؤیایی قرار گرفته که می‌تواند نظم موجود در بازار انرژی منطقه را دگرگون و تهران را به هاب گازی بلامنازع جنوب غرب آسیا ببدل کند. این پروژه‌ها، فرائز اثر منافع اقتصادی عظیم، پیامدهای ژئوپلیتیک گسترده‌ای موجب هم‌افزایی در بازارهای صادراتی و تثبیت قیمت گاز خواهد شد، بلکه انتلاف راهبردی جدیدی را در برابر رقبای منطقه‌های شکل می‌دهد. از نسوی دیگر، پیوند گازی با هند، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان انرژی جهان، نه‌تنها راهبرد انرژی هند را متحول می‌کند، بلکه ایران را به یکی از کلیدی‌ترین تأمین‌کنندگان امنیت انرژی دهلی‌نودل خواهد کرد. تحقق این هدف، دیپلماسی انرژی کشورمان را وارد مرحله‌ای جدید می‌کند؛ مرحله‌ای که در آن تهران می‌تواند با اتکا به مزیت‌های ژئواکونومیک خود، نه‌فقط در بازار انرژی، بلکه در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه نیز نقشی تعیین‌کننده ایفا کند. اتصال گازی به روسیه و هند، بیش از آنکه پروژه‌ای اقتصادی باشد، یک سرمایه‌گذاری راهبردی در معماری جدید قدرت در آسیای جنوبی و اوراسیاست؛ جایی که ایران دیگر صرفاً یک صادرکننده انرژی نخواهد بود، بلکه به یک بازیگر تعیین‌کننده در سیاست انرژی جهانی تبدیل می‌شود. ■ ■ ■

یکی از ضروریات اقتصادی و امنیتی ایران قرارگیری در کریدورهای انتقال کالا و خدمات است. هر نقش‌پذیری ایران در این حوزه زمینه‌ساز بازدارندگی و تقویت اقتصادی کشور است. بنابراین دولت چهاردهم باید تمام تمرکز خود را در تقویت تجارت کالا، خدمات و همچنین توسعه نقش ایران در کریدورهای انتقال کالا و خدمات قرار دهد. این مهم در زمینه گاز به عنوان کالای استراتژیک اقتصاد روسیه و نیاز مبرم اقتصاد هند دوچندان شده است. حتی مسئله خرید نفت و گاز روسیه از سوی هند به یک جنگ تمام عیار بین هند و امریکا تبدیل شده است و این مسئله با تسهیل مسیر انتقال نفت و گاز روسیه از طریق ایران به هند، زمینه‌ساز تشدید تنش آسیا با غرب نیز خواهد شد و در استراتژی ایران در ضربه زدن به اقتصاد امریکانیز اثرگذار است. انتقال

گزارش ۳

جهش ۱۰ ساله کشاورزی ایران

افزایش ۶درصدی بهره‌برداران ور کوردشکنی در تولید گندم و دام

مرکز آمار ایران نتایج سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۴۰۳ را منتشر کرد. این سرشماری از ۱۲ آبان تا ۲۹ آذرماه به مدت ۴۸ روز در سراسر کشور انجام شد. در این طرح آماری بزرگ، بیش از ۱۵هزار نفر به‌عنوان آمارگیر و عوامل پشتیبانیی مشارکت داشتند و اطلاعات بهره‌برداران کشاورزی کشور با استفاده از تبلت جمع‌آوری شد. ■ ■ ■

بر اساس نتایج منتشر شده، تعداد بهره‌برداران کشاورزی در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۴ میلیون و ۲۹۰ هزار نفر رسیده که نسبت به سرشماری قبلی در سال ۱۳۹۳ حدود ۶ درصد افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد کشاورزی همچنان نقش مهمی در اقتصاد و معیشت مردم ایران ایفا می‌کند.

■ **کشاورزی ایران در ۸۹ هزار روستا و هزار و ۴۲۲ شهر فعال است**

در زمان اجرای سرشماری، فعالیت‌های کشاورزی در محدوده ۸۹ هزار آبادی و هزار و ۴۲۲

شهر در جریان بوده است. از این میان، ۸۸ درصد فعالیت‌ها در مناطق روستایی و ۱۲ هزار و ۱۲۰ درصد در مناطق شهری انجام شده است. این آمار اهمیت ویژه روستاها را در حوزه کشاورزی کشور نشان می‌دهد.

■ **رشد ۵/۵ درصدی اراضی**

کشاورزی طبق نتایج سرشماری ۱۴۰۳، مساحت اراضی کشاورزی ایران به ۱۷ میلیون

و ۲۸۰ هزار هکتار رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۲ رشد ۵/۵ درصدی داشته است. از این مساحت، ۸۹ درصد اراضی زراعی و ۱۱ درصد باغ‌ها و قلمستان‌ها را تشکیل می‌دهند. اراضی زراعی به ۱۵ میلیون و ۴۳۰ هزار هکتار افزایش یافته که ۵ درصد بیشتر از سال ۱۳۹۲ است. همچنین سطح زیر کشت گندم در کشور به ۸ میلیون و ۳۷۰ هزار هکتار رسیده که نسبت به سرشماری قبلی حدود ۲۹ درصد رشد داشته است. از این میزان، ۲۱ درصد آبی و ۹ درصد دیم است. این رشد قابل توجه در تولید گندم، امید به خودکفایی در محصولات استراتژیک را افزایش می‌دهد.

■ **افزایش چشمگیر دام و گلخانه‌ها**

نتایج سرشماری ۱۴۰۳ نشان می‌دهد تعداد دام سبک‌کشتور (گوسفند و بز) به ۳۵ میلیون رأس رسیده که ۱۲ درصد افزایش داشته است. همچنین دام سنگین (گاو، شتر و گاو میش) به ۵ میلیون و ۴۸۰ هزار رأس رسده که رشد ۲۳ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۲ را نشان می‌دهد. تعداد گاو و گوساله اصیل نسبت به ۱۰ سال گذشته بیش از دو برابر

شده است. فعالیت‌های گلخانه‌ای نیز رشد چشمگیری داشته‌اند. تعداد بهره‌برداری‌های دارای کشت گلخانه‌ای در سال ۱۴۰۳ به ۲۶ هزار و ۳۰۵ واحد رسیده که بیش از ۱۶۰ درصد نسبت به سال ۱۳۹۳ افزایش داشته است. همچنین بهره‌برداری‌های دارای فعالیت پرورش ماهی و میگو به ۱۶ هزار و ۳۸۲ واحد و پرورش زنبور عسل به بیش از ۸۱ هزار بهره‌برداری رسیده است.

■ **افزایش آبیاری تحت فشار؛ کاهش پرورش طیور سنتی**

یکی از نکات قابل توجه سرشماری، افزایش چشمگیر بهره‌برداری‌های مجهز به سیستم آبیاری تحت فشار است. در سال ۱۴۰۳، بیش از ۵۰۹ هزار بهره‌برداری از این روش نوین آبیاری استفاده می‌کنند، این در حالی است که در سال ۱۳۸۲ فقط ۲۷ هزار بهره‌برداری به این سیستم مجهز بودند. در مقابل، تعداد بهره‌برداری‌های پرورش طیور به



روش سنتی کاهش یافته و به یک میلیون و ۱۲۰ هزار واحد رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۲ حدود ۸ درصد کاهش داشته است.

■ **استان‌های پیشرو در کشاورزی ایران**

نتایج سرشماری نشان می‌دهد بیش از ۵۱ درصد از بهره‌برداری‌های کشاورزی کشور در استان‌های کرمان، خراسان رضوی، مازندران، فارس، گیلان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و خوزستان قرار دارند. همچنین بیش از ۶۰ درصد اراضی زراعی کشور در استان‌هایی همچون خوزستان، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی و کردستان واقع شده است.

■ **ایران در جمع کشورهای پیشرو آسیا**

با اجرای شش دوره سرشماری کشاورزی (۱۳۵۲، ۱۳۶۷، ۱۳۷۲، ۱۳۸۲، ۱۳۹۳ و ۱۴۰۳)، ایران به یکی از کشورهای پیشرو در قاره آسیا در زمینه آمارگیری کشاورزی تبدیل شده است.

وضعیت بازار مسکن و ساخت‌وساز در سال اول دولت چهاردهم بررسی شد

۳ اقدام نجاتبخش برای بازار مسکن

ابتدایی دهه ۹۰ افراد با تسهیلات بانکی واحدهای مسکنونی تهیه می‌کردند.

مرتضوی تصریح کرد: اوایل دهه ۹۰ تسهیلات بانکی حدود ۷۰ درصد هزینه‌های ساخت یک ساختمان را تشکیل می‌داد که اکنون این رقم به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است.

■ **رفع تهدیدهای بازار مسکن چگونه امکانپذیر است؟**

یک‌سالگی فعالیت دولت، فرصتی است برای بررسی وعده‌های مسکنی و آنچه تاکنون محقق شده است تا بر اساس آن سیاستگذار در راستای تأمین مسکن خانوارها گام بردارد. یکی از راهکارهای مهم در این زمینه تعیین تکلیف مالیات‌های ناکارآمد اما پرهزینه برای تولید است.

حمایت از مستأجرها و خانه‌اولی‌ها با افزایش مناسب مبالغ وام‌های ودیعه و خرید از دیگر راهکارهای مهم است که کارشناسان بر آن تأکید دارند. سقف وام انفرادی خرید مسکن در تهران ۵۰۰ میلیون تومان و برای زوجین یک میلیارد تومان تعیین شده که کمتر از ۱۰ متر از یک خانه را دربرمی‌گیرد. همچنین مبلغ بازپرداخت وام خرید مسکن نیز سنگین و وام‌های ودیعه هم با بوروکراسی‌های پیچیده‌ای همراه است. حذف موانع دولتی ساخت و بازنگری در سیاست‌های کلان بخش مسکن برای تشویق سرمایه‌گذاری در بافت‌های فرسوده نیز از دیگر راهکارهای مهم در راستای خانه‌دار شدن مردم است.

داوود بیگی‌ننژاد، نایب‌رئیس اتحادیه املاک در این باره گفت: باید متناسب با توان مالی و نیاز خانوارها، واحدهای مسکونی در لایه‌های مختلف جامعه به‌ویژه در بافت‌های فرسوده تولید شود تا قیمت بافت

قدرت خرید تمام اقشار جامعه همخوانی داشته باشد. وی افزود: در حال حاضر رکود سنگینی در بازار خرید و فروش مسکن حاکم است و تا زمانی که سیاست‌های تسهیلاتی و ساخت‌وساز متناسب با نیاز مردم اصلاح نشود، این وضعیت ادامه خواهد داشت.

بهبود شرایط در بازار مسکن نیازمند بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله افزایش سطح درآمد افراد، کنترل تورم، کاهش قیمت تمام شده مسکن و افزایش کمی و کیفی تسهیلات بانکی است و بخشی از این تصمیمات در حوزه کلان در گرو تصمیمات دولت و بسیاری دیگر در گرو اقدامات سیاستگذار بخش مسکن است.



تورم به صورت مستمر در حال افزایش است به طوری که هم قیمت مصالح ساختمانی و هم دستمزد کارگران و استادکاران افزایشی بوده است. وی خاطر نشان کرد: ورود سرمایه‌گذاران به صنعت ساختمان نیازمند پروانه ساختمانی در کشور صادر شده که نسبت به فصل گذشته سال قبل از آن ۲۳ درصد کاهش داشته است. از سوی دیگر نگاهی به تغییرات قیمت نهاده‌های ساختمانی نشان می‌دهد در مجموع در زمستان

■ **کاهش تولید مسکن و افزایش قیمت تمام شده**

در یک سال گذشته نرخ رشد قیمت مصالح ساختمانی حدود ۳۰ درصد بوده است. افزایش قیمت تمام شده منجر به کاهش تولید مسکن شده است و در کل شرایط برای تولید و سرمایه‌گذاری ساختمانی مساعد نیست. بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، در زمستان سال گذشته در مجموع بیش از ۴۰ هزار پروانه ساختمانی در کشور صادر شده که نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن ۲۳ درصد کاهش داشته است. از سوی دیگر نگاهی به تغییرات قیمت نهاده‌های ساختمانی نشان می‌دهد در مجموع در زمستان